

## طرق وقوع الفتن من منظر الإمام على عليه السلام

### الملخص

تُعدُّ كلمة «الفتنة» كإحدى المفردات الواسعة الإستعمال في الأدب الإسلامي و في المصطلح تُطلقُ على عدد من الظواهر الإجتماعية - السياسية التي تؤزِّم المجتمع بمكايدها و رغم هذا تتظاهر بأنها على حق.

كثرت إستعمال قضية الفتنة في كلام أمير المؤمنين على عليه السلام كما نرى أنَّ عصره كان مشحوناً بالفتن الدينية و السياسية و الإجتماعية فأخذ الإمام مكافحتها عملياً. تدرس هذه المقالة دراسة الفتنة و طرق وقوعها من وجهة نظر الإمام على عليه السلام في فترة من التاريخ معتمداً على المنهج الوصفي و التاريخي.

الكلمات الدليلية: على عليه السلام، نهج البلاغة، الفتنة

## بسترهای ایجاد فتنه از منظر امام علی (ع)

زینب اصغری<sup>۱</sup>؛ فاطمه شیرازی کیا<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از پر بسامدترین واژگان در ادبیات اسلامی واژه «فتنه» است که در اصطلاح به یکسری پدیده‌های اجتماعی-سیاسی گفته می‌شود که جامعه را دچار تلاطم کرده و در عین حال، حالت حق به جانب و فریبکارانه دارد. مسئله فتنه در کلام امیر المؤمنین (ع) از بسامد بالایی برخوردار است. سیره آن حضرت (ع) نیز مشحون از مبارزات عملی با فتنه‌های دینی و سیاسی و اجتماعی دوران است. لذا در نوشتار حاضر به موضوع فتنه و بسترهای ایجاد آن از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته شده است و از آنجایی که به بررسی فتنه در برهه‌ای از تاریخ پرداخته شده، علاوه بر روش تحقیق توصیفی از تحقیق تاریخی نیز استفاده شده است.

**کلیدواژگان:** علی (ع)، نهج البلاغه، فتنه، آزمایش

<sup>۱</sup> دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه کبری س (نویسنده مسئول)  
a.salami1364@gmail.com

<sup>۲</sup> مدرس سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه کبری س ak.salami64@gmail.com

### مقدمه

به یقین کسی که فتنه‌ها را با جان خود لمس کرده است، خصایص و ابعاد آن را بهتر و عینی‌تر درمی‌یابد و می‌تواند بیان کند و به درمان آن بپردازد. با توجه به الگو بودن معصومین (ع) و اینکه بخش اعظم زندگانی امیرالمؤمنین در ستیز و رویارویی با انواع فتنه‌ها سپری شده است و با توجه به اینکه هیچ دوره‌ای خالی از فتنه نمی‌باشد و خواه ناخواه جوامع همواره در هر دوره‌ای با فتنه‌های مختلف روبرو هستند، از این‌رو با شناخت بسترهای ایجاد فتنه در دوران امام علی (ع) و همچنین با شناخت راهکارهای ایشان در مقابله با فتنه‌های زمانه خود، در صورت مواجهه با فتنه‌های جدید می‌توان از شیوع آن در جامعه جلوگیری کرد و با الگو گرفتن از امام (ع) راهکار را صحیح به کار بست.

### مفهوم‌شناسی فتنه

معنای لغوی «فتنه» تخلیص و جداسازی بخش پنهانی ناسالم چیزی از بخش سالم آن می‌باشد. اصل این واژه چنانکه در مجمع‌البحرین آمده «فتنه الفزه» است؛ یعنی زرگر چون نقره را در آتش می‌نهد که بخش ناسالمش جدا شود می‌گوید نقره را خالص نمودم و این به معنی آزمایش نیست که وی آن کار را از پیش به وسیله محک انجام داده است (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ۴ / ۸۵۴). «فتنه» در معنای اصطلاحی به یکسری پدیده‌های اجتماعی و سیاسی گفته می‌شود که جامعه را دچار موج و تلاطم کرده و در عین حال حالت حق به جانب و فریبکارانه دارند. به عبارت دیگر، فتنه ترفندی سیاسی اجتماعی است که از آمیزش حق و باطل و پنهان نمودن باطل در پوسته حق با هدف اقبال و فریفتن مردم برای رسیدن به مقاصد

شوم طرح‌ریزی می‌شود (فتنه و فتنه‌گران در دیدگاه نهج البلاغه، salehat.ir). فتنه‌گران می‌دانند اگر باطل را به صورت عریان عرضه کنند هیچ کس در پی آن نمی‌رود، از این‌رو همواره بر تن باطل لباس حق پوشانده و با گرد و غباری که بر اثر هیاهو ایجاد می‌کنند، تشخیص حق از باطل را بر مردم مشتبه می‌سازند و بدین وسیله سطحی‌نگران و کسانی که فاقد بینش قوی در مسائل سیاسی و اجتماعی‌اند را به دام انداخته و به باتلاق انحراف می‌کشاند (مقدمه و معنای فتنه، lailatolgadr.ir).

### بسترهای ایجاد فتنه

#### ۱. بسترهای فردی

بسترها و زمینه‌های فردی، عوامل غفلت‌زایی هستند که موجبات بلایا و فتن را فراهم می‌سازند. این عوامل عبارتند از:

#### الف) مستی حاصل از نعمت

سرچشمه بسیاری از فتنه‌ها، مستی حاصل از نعمت است. افرادی که به خاطر نعمت‌هایی که به آنها داده شده مست و مغرور می‌شوند، بستر و زمینه‌ای برایشان فراهم می‌شود تا گرفتار فتن شوند. امام علی (ع) می‌فرماید: «تُمْ إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَعْرَاضُ بَلَايَا قَدِ اقْتَرَبَتْ فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَ اخْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ وَ تَتَّبَتُوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَ اعْوَجَّاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا وَ ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابِ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَّةٍ وَ تَتَّوَلُّ إِلَى فِطْرَةِ جَلِيَّةٍ شَبَابِهَا كَشِبَابِ الْغُلَامِ وَ آثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ؛ شما ای عرب‌ها، هدف تیرهای بلا هستید که نزدیک است. از مستی‌های نعمت بپرهیزید و از سختی‌های عذاب الهی بترسید و بگریزید و در فتنه‌های در هم پیچیده، به هنگام پیدایش نوزاد

فتنه‌ها و آشکار شدن باطن آنها و برقرار شدن قطب و مدار آسیای آن، با آگاهی قدم بردارید. فتنه‌هایی که از رهگذرهای ناپیدا آشکار گردد و به زشتی و رسوایی گراید، آغازش چون دوران جوانی پر قدرت و زیبا و آثارش چون آثار باقی مانده بر سنگ‌های سخت زشت و دیرپاست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

امام (ع) در این بخش از خطبه، مردم را از فتنه‌هایی که در پیش است باخبر می‌کند و برحذر می‌دارد و به آنها آگاهی می‌دهد تا آنجا که ممکن است از ضربات فتنه در امان بمانند و از ضایعات آن بکاهند. ایشان در این بخش به سرچشمه‌های فتنه و کیفیت شکل‌گیری و مراحل مختلف آن با بیان لطیفی اشاره کرده و می‌فرماید: «شما ای گروه عرب در آینده هدف بلاهایی هستید که نزدیک شده است، از مستی نعمت بپرهیزید و از بلاهایی که کیفر اعمال شماست برحذر باشید». امام (ع) در این عبارت به دو عامل مهم از عوامل فتنه اشاره نموده است که یکی از آنها مستی حاصل از نعمت است و دیگری مجازات اعمال که نتیجه آن فتنه‌هایی است که دامان مردم را می‌گیرد و آنها را هدف بلاها قرار می‌دهد (معصومی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۲).

#### ب) پیروی از هوا و هوس

منشاء بسیاری از فتنه‌های اجتماعی، حب جاه و مقام و ریاست‌طلبی و خودخواهی و خودبزرگ بینی است. این عوامل موجب می‌شود در مواردی که خواسته‌های انسان با موازین الهی سازگاری ندارد، به توجیه رفتار یا تأویل‌های ناشایسته‌ای از معارف دینی دست بزند. از دیدگاه چنین افرادی، معیار ارزش کارها، موافقت و سازگاری آنها با خواهش‌های نفسانی‌شان است؛ یعنی هر

کاری که مطابق امیال و خواسته‌های آنان باشد، خوب و هر کاری که مخالف امیال و اهداف شخصی‌شان باشد، بد است.

تحلیل روان‌شناختی مسئله به این صورت است که برخی افراد به ظاهر مؤمن که عمدتاً از افراد ذی‌نفوذ و تاثیرگذار جامعه هم هستند و به تعبیر دیگر از طبقه الیت‌ها یا نخبگان جامعه شمرده می‌شوند، از حکومت وقت توقعاتی شخصی دارند؛ توقعاتی از قبیل دستیابی به پست و مقام یا بهره‌برداری بیشتر از ثروت و امکانات ملی و امثال آن، اما هنگامی که این خواسته‌ها مورد توجه حکومت قرار نگیرد، برای دستیابی به امیال و خواسته‌هایشان به راه‌اندازی تشکلات، گروه‌ها، حزب‌ها و جبهه‌ها اقدام می‌کنند. آنها ظاهر فعالیت خود را مبارزه با ظلم، بی‌عدالتی و بی‌قانونی قرار می‌دهند، اما باطن آن و پشت پرده اقدامات آنان چیزی جز ریاست‌طلبی، خودخواهی و حب جاه و مقام نیست. در واقع هدف آنان این است که هم از حکومت و نظام عادلانه اسلامی انتقام بگیرند و هم به خواسته‌های خود دست پیدا کنند (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۱۳ و ۱۱۴). امام (ع) در خطبه ۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی با دو انحراف یاد شده، بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که برخلاف دین خداست».

امام علی (ع) در آغاز این خطبه به سرچشمه فتنه‌ها در جوامع اسلامی می‌پردازد که هم، دوران بعد از رحلت رسول‌الله (ص) را شامل می‌شود و هم ماجراهایی همچون واقعه جمل و صفین و نهروان را و دقیقاً دست بر روی

نکته اصلی گذاشته و می‌فرماید: «آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوی‌ها و هوس‌ها و بدعت‌هایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد. آری ریشه‌های اصلی فتنه‌ها دو چیز است: پیروی از هوای نفس و احکام دروغین خودساخته که مخالف کتاب خداست و بی‌شک اگر احکام قرآن در میان مردم حاکم باشد و اصالت قوانین اسلام حفظ شود و بدعت‌های ناروا در دین خدا نگذارند و همچنین در اجرای قوانین ناب الهی هوی و هوس را حاکم نکنند، فتنه‌ای پیدا نخواهد شد. فتنه آن زمان شروع می‌شود که فزون‌طلبی آشکار گردد و قوانین الهی در مسیر مطامع شخصی تحریف شود. در واقع آنجا که با تحریف و تفسیرهای غلط به هوی و هوس خود می‌رسند، به سراغ آن می‌روند و هر جا نیاز به جعل احکام تازه‌ای دیدند، دست به دامن بدعت می‌شوند. درست است که آن بدعت‌ها نیز از هوی و هوس‌ها سرچشمه می‌گیرند ولی هوی و هوس و تمایلات شیطنانی گاه در نحوه تفسیر و اجرای احکام الهی نفوذ می‌کند و گاه به‌صورت بدعت‌ها و احکام مجعول. به همین دلیل در کلام امام از یکدیگر جدا شده‌اند.

نمونه‌ای از همکاری نفس با شیطان، در جنگ نهروان ظهور پیدا کرد. امام (ع) بر بالای جنازه کشتگان نهروان فرمود: «بُؤْسًا لَكُمْ لَقَدْ ضَرَكُم مِّنْ غَرِّكُمْ - قَقِيلَ لَهُ مِّنْ غَرِّهِمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - فَقَالَ الشَّيْطَانُ الْمُضِلُّ وَالْأَنْفُسُ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ - غَرَّتْهُمْ بِالْأَمَانِيِّ وَ فَسَحَتْ لَهُمْ بِالْمَعَاصِي - وَ وَعَدْتُهُمْ الْأِظْهَارَ فَأَقْتَحَمَتْ بِهِمُ النَّارَ؛ بدا به حال شما، آنکه شما را فریفته گرداند زیانتان رساند. او را گفتند: ای امیرمؤمنان چه کسی آنان را فریفت؟ فرمود: شیطان گمراه‌کننده و نفس‌های به بدی فرمان‌دهنده، آنان را

فریفته آرزوها ساخت و راه را برای نافرمانی‌شان باز کرد، به پیروز کردن‌شان وعده داد و به آتش‌شان درآورد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۳).

### ج) شخصیت‌محوری به جای حقیقت‌محوری

یکی دیگر از شرایط فتنه‌برانگیز، شخصیت‌محوری به جای حقیقت‌محوری است. در هر جامعه‌ای که افراد و اشخاص معیار حقیقت قرار گیرند باید منتظر فتنه بود. جایی که بر اساس سوابق افراد و عملکرد گذشته آنان بخواهیم درباره وضعیت فعلی آنان داوری کنیم، ممکن است نتوانیم به حقیقت دست یابیم؛ زیرا شخصیت افراد در این مواقع راهزن اندیشه و فکر انسان می‌شود. تمرکز بر گذشته افراد و بزرگ‌نمایی پیشینه آنان، وضعیت فعلی و پیش‌بینی آینده آنان خواهند شد. نگاهی به فتنه‌های دوران حکومت امام علی (ع) این حقیقت را آشکار می‌سازد. شخصیت‌زدگی و حقیقت‌ناشناسی برخی افراد تا آن حد بود که در جنگ جمل عده‌ای از یاران امام (ع) وقتی در سپاه مخالف، افراد خوش‌سابقه‌ای چون طلحه و زبیر و شخصیتی چون عایشه را دیدند در حقانیت جنگ با آنان به تردیدی جدی افتادند (شریفی، ۱۳۹۰: ۵۵). طلحه و زبیر دارای چند ویژگی اساسی بودند که نمایانگر سابقه طولانی مبارزاتی‌شان بود:

- در دورانی که اسلام و مسلمان بودن جرم محسوب می‌شد به اسلام گرویدند و از پیشتازان به اسلام به‌شمار می‌آمدند.

- از کسانی بودند که در جنگ احد قهرمانانه نبرد کردند و حتی پس از فرار مسلمانان بر اثر شکست در مرحله اول، دلیرانه ایستادگی کرده و به دفاع از جان پیامبر (ص) پرداختند تا جایی که دست طلحه در جنگ احد شکست.

- از رهبران شورشیان علیه حکومت عثمان بودند و در تحریک مردم نقش اساسی داشتند.

- از نخستین کسانی بودند که پس از به خلافت رسیدن علی (ع) با ایشان بیعت کردند و زبیر از کسانی بود که در شورای شش نفری که عمر برای تعیین خلیفه معین کرده بود به خلافت علی (ع) رأی داد.

آری هم ایشان از نخستین کسانی بودند که بر ضد حکومت علی (ع) شوریدند. پس هشدارمان باد که گول سوابق انقلابی افراد را نخوردیم و همیشه شخصیت‌ها را با میزان حق بسنجیم نه حق را با شخصیت‌ها (بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۳۵۹).

همین مسئله در فتنه صفین نیز نقش‌آفرینی کرد و سطحی‌نگری و شخصیت‌محوری، برخی از یاران امام (ع) را در حقانیت جنگ با معاویه و یارانش به تردید افکند. اگر حضور شخصیتی مانند عمار در سپاه امام (ع) نبود، شخصیتی که پیامبر درباره او گفته بود به دست گروه ستمکار کشته می‌شود، به یقین گروهی از سربازان علی (ع) از همان ابتدای کار آن حضرت (ع) را تنها می‌گذاشتند. وقتی شخصیتی همچون خزیمه در حقانیت مبارزه با معاویه و نیروهای ستمگر و طاغی او تردید کردند و منتظر سرنوشت عمار ماندند تا پس از آن گروه طغیانگر را بشناسند، از تازه مسلمانان و کسانی که آن سختی‌های صدر اسلام را ندیده بودند و تلخی‌های مبارزات اولیه را نچشیده بودند چه انتظاری می‌رفت؟!

در میان مخالفان امام علی (ع) نیز همین مسئله شخصیت‌محوری وجود داشت و سران فتنه توانسته بودند از این روحیه مردم به سود خود استفاده

کنند. وقتی گروهی از اصحاب جمل همواره می‌کوشیدند در اطراف شتر عایشه حرکت کنند و تمام هم و غمشان این بود که اندکی از فضولات شتر عایشه را به دست آورده و بر بدن خود بمالند و با افتخار بگویند از سرگین شتر مادرمان بوی مشک برمی‌خیزد یا زمانی که سپاه معاویه حاضر شدند به دستور او نماز جمعه را روز چهارشنبه به جای آورند، چگونه می‌توان انتظار داشت که اسیر فتنه قدرت‌طلبان و هوی‌پرستانی چون طلحه و زبیر و حیل‌گری چون معاویه نشوند؟!

شخصیت‌زدگی و حقیقت‌ناشناسی در فتنه‌های زمان امام علی (ع) به حدی بود که حتی سال‌های بعد یعنی بعد از فرو نشستن غبارهای فتنه، تشخیص حقیقت برای برخی از افراد دشوار بود. گفته شده اصطلاح «مرجئه» که بعدها بر یکی از فرقه‌های اسلامی اطلاق شد که ایمان را صرفاً امری لفظی و زبانی می‌دانستند، نخستین بار در مورد نوه امیرمؤمنان (ع) کسی به نام حسن بن محمد بن حنفیه به کار رفت. به این دلیل که وی معتقد بود حقیقت درباره خلیفه اول و دوم روشن است، اما درباره خلیفه سوم و درباره علی (ع) و طلحه و زبیر و اینکه حق با کدام یک بود، باید از قضاوت خودداری کرد و امر آنان را به خدا واگذار نمود، وظیفه ما آن است که آنان را نه دوست داشته باشیم و نه دشمن تا در روز قیامت معلوم شود که حق با کدام یک بوده است. حال آنکه امام علی (ع) چه زیبا این حقیقت را برملا کرد و در مقابل حیرت برخی از یاران خود و در پاسخ به کسانی که واقعاً و از روی جد این پرسش ذهنشان را می‌آزرد که چگونه ممکن است طلحه و زبیر و عایشه در جبهه باطل باشند، فرمود: مشکل شما این است که می‌خواهید حقیقت را با اشخاص

بشناسید. شما اشخاص را معیار حقیقت و بطلان قرار می‌دهید، نه حقیقت را معیار سنجش عملکرد افراد. به همین دلیل دچار چنین حیرت‌کننده‌ای شده‌اید و بذر تردید در جان شما رخنه کرده است. برای داوری درباره افراد باید حق و باطل را شناخت و بعد آن را مقیاسی برای سنجش افراد قرار داد (شریفی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۸).

#### د) جهل

نادانی و بی‌تفاوتی مردم در برابر مسائل کلان جامعه از دیگر عواملی است که فتنه‌انگیزان را در کار خود موفق‌تر می‌سازد. اگر مردم از مسائل کلان جامعه، آرمان‌های والای خود و همچنین مسائل و مشکلاتی که بر سر راه رسیدن به این اهداف و آرمان‌هاست، غافل باشند، ممکن است به سهولت آلت دست فتنه‌انگیزان شوند. کاری که اربابان فتنه انجام می‌دهند این است که در خواسته‌های اساسی مردم تغییر ایجاد می‌کنند و ذائقه اجتماعی را آن‌گونه که می‌خواهند دگرگون می‌سازند. آنان می‌کوشند تا توجه مردم را از مسائل کلان و اصلی به مسائل خرد و جزئی جلب کنند و با بزرگ کردن نقاط ضعف حکومت اسلامی و تکرار و برجسته کردن آن، همه موفقیت‌هایش را از دید مردم دور کنند. فتنه‌انگیزان زمانی می‌توانند در کار خود موفق شوند که مردم از حقایق و واقعیت‌های اجتماعی ناآگاه باشند و از اهداف و آرمان‌های خود غافل شوند. شکایت امام علی (ع) از مردم زمان خود، شکایت از جهل آنان بود. جهل در برابر مسائل اجتماعی و دینی؛ جهل در برابر مناسبت‌های سیاسی و قدرت؛ جهل در برابر آرمان‌ها و اهداف حکومت اسلامی و در یک کلام جهل در برابر معارف حقیقی و راستین قرآن (همان، ۷۳ و ۷۴). ایشان

می‌فرماید: «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ لَاسِلْعَةٌ أَنْفَقُ بَيْعًا وَ لَا أَعْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ؛ به خدا شکایت می‌کنم از مردمی که در جهالت زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند، در میان آنها، کالایی خوارتر از قرآن نیست، اگر آن را آن‌گونه که باید بخوانند، و متاعی سودآورتر و گرانبه‌تر از قرآن نیست، اگر آن را تحریف کنند، و نزد آنان، چیزی زشت‌تر از معروف و نیکوتر از منکر نمی‌باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷).

همچنین می‌فرماید: «أَرْسَلَهُ عَلَيَّ حِينَ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ وَ اعْتِرَافٍ مِنَ الْفِتَنِ؛ خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت‌ها گذشته و ملت‌ها در خواب عمیقی فرو خفته بودند، فتنه و فساد جهان را فراگرفته و اعمال زشت رواج یافته بود (همان، خطبه ۸۹). هدف نهایی امام علی (ع) از بیان این خطبه، بیدار کردن مردم از خواب غفلت و غرور بود. دست آنها را گرفته به زمان جاهلیت می‌برد و تاریخ گذشته را در نظر آنها مجسم می‌کند که چگونه بودند و چگونه با قیام پیامبر همه چیز دگرگون شد. سپس به آنها هشدار می‌دهد که همان شرایط عصر جاهلیت در حال بازگشت است و تأکید می‌کند که من نیز همچون پیامبر (ص) برای از میان بردن افکار و رفتار جاهلی، قیام کرده‌ام تا پیش از آنکه فرصت از دست برود، بیدار شوید و به صراط مستقیم پروردگار و طریقه پیغمبر (ص) بازگردید (معصومی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۴).

اگر مسلمانان فهم درستی از اسلام داشته باشند از میزان آمادگی ایشان برای گسترش فتنه به مراتب کاسته می‌شود و فتنه‌انگیزی در صفوف آنان به سادگی تحقق نمی‌پذیرد؛ زیرا آگاهی، خود، مانعی است میان فرد و بسیاری از بیماری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ چراکه انسان با برخورداری از عنصر آگاهی می‌تواند به خوبی حوادث پیرامون خود و توطئه‌هایی را که علیه او چیده می‌شود دریابد و حق را از باطل تشخیص دهد و در نتیجه در دام فتنه‌ها و آشوب‌ها گرفتار نیاید (اویس الشهبانی، ۱۳۶۹).

#### هـ) دینداری غیرعالمانه

یکی دیگر از اموری که اگر در جامعه شیوع پیدا کند، بستر لازم برای ایجاد فتنه را فراهم می‌سازد، ضعف در دین‌شناسی و دینداری است. به هر اندازه که تعداد ناآگاهان از حقایق دینی در جامعه افزایش یابد، به همان اندازه باید منتظر وقوع فتنه بود. این نوع فتنه ممکن است در نگاه اول، از سنخ فتنه‌های سیاسی و اجتماعی نباشد، اما چنین فتنه‌هایی را در پی خواهد داشت. دیندارانی که با انجام اعمال دینی، خود را طلبکار خدا می‌دانند و بر خدا منت می‌گذارند که به او اعتقاد دارند و احیاناً به دستورات او عمل می‌کنند و با وجود این، منتظر دریافت رحمت الهی هستند و خود را از دایره قهر و غضب او در امان می‌دانند، فتنه‌گرانی هستند که جامعه اسلامی را به انحراف می‌کشانند.

در تاریخ اسلام، این نوع دین‌شناسی منشأ پیدایش تفکر مرجئه شد. آنان کسانی بودند که گمان می‌کردند ایمان صرفاً امری قلبی و زبانی است. اگر کسی به زبان اظهار ایمان کند و قلباً نیز مومن باشد، هر چند به مقتضای دستورات خدا عمل نکند، مؤمن است و مستحق بهشت. به همین دلیل ایشان

گمان می کردند که هیچ گناهی مانع نجات و سعادت انسان‌های مؤمن نخواهد شد. روشن است که چنین تفکری و چنین برداشتی از دین و دینداری چه آثار مخربی بر اخلاق و رفتار اجتماعی مردم خواهد گذاشت (شریفی، ۱۳۹۰: ۶۶).

امام علی (ع) در سخنی حکیمانه ارتباط میان فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی را به این صورت بیان کرده و می‌فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ - لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سُكَّانُهَا وَعُمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَيَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَبِي حَلْفَتِي لَأُبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلَيْكَ فِتْنَةً تَتْرُكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ؛ مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز رسمش نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمینند، فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد. آنکه از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آنکه از آن پس افتد به سویش برانند. خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹).

## ۲. بسترهای اجتماعی

یکی از بسترهای ایجاد فتنه بسترهای اجتماعی است که به سه بخش اقتصادی و روانی و سیاسی تقسیم می‌شود:

### الف) بخش اقتصادی

#### - روابط ناسالم اقتصادی

یکی دیگر از عواملی که جامعه را به سوی فتنه سوق می‌دهد، روابط ناسالم اقتصادی است. جامعه‌ای که در آن رباخواری رواج داشته باشد، جامعه‌ای حرام‌خوار و ناسالم است و مستعد وقوع فتنه است. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: امت اسلامی با تغییر نام ربا، آن را حلال می‌شمارد. آنان گمان می‌کنند خداوند الفاظ را حرام کرده است و اگر لفظ را عوض کنند حکم نیز عوض می‌شود. احکام و ارزش‌های الهی را ناظر به الفاظ و واژه‌ها می‌پندارند نه محتوا و حقیقت. به همین دلیل با ترفندی ناآگاهانه و حیل‌های سطحی‌نگرانه به جای واژه «ربا» از الفاظی دیگر استفاده می‌کنند و بدین ترتیب گمان می‌کنند به وظیفه دینی خود عمل کرده‌اند. اگر چنین وضعی در جامعه اسلامی حاکم شود، زمینه لازم برای وقوع فتنه فراهم می‌گردد (شریفی، ۱۳۹۰: ۷۲ و ۷۳).

امام صادق (ع) وقتی متوجه شد شخص رباخواری در توجیه عمل خود با تغییر نام و عنوان می‌گوید کار من «ربا» نیست بلکه «لباء» است، فرمود: اگر دستم به او می‌رسید و توانایی لازم را داشتم، گردنش را می‌زدم (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: حدیث ۷۱۲۶).

#### - ثروت‌گرایی و مال‌پرستی

یکی از عواملی که بستر لازم را برای فتنه‌انگیزی و موفقیت فتنه‌گران در جامعه اسلامی فراهم می‌کند، شیوع شهوت ثروت و مال در میان مردم است.

ثروت‌گرایی و مال‌پرستی و رفاه‌زدگی نه فقط زمینه و بستر فتنه را در جامعه ایجاد می‌کند بلکه از جمله مهمترین عوامل فروپاشی و اضمحلال جوامع است. پیامبر اکرم (ص) نیز در بیانی که امام علی (ع) در پیش‌بینی حوادث آینده از ایشان نقل می‌کند، فتنه مالی را به‌عنوان نخستین مسئله ذکر کرده است. ایشان در عبارتی دیگر می‌فرماید هر امتی به گونه‌ای دچار فتنه می‌شود، فتنه امت اسلامی هم فتنه مالی است: «ان لكل أمة فتنه و فتنه امتی المال؛ قطعاً برای هر امتی فتنه‌ای است و فتنه امت من مال است» (همان، حدیث ۱۵۶۲۰، ص ۲۳۶۴).

به عبارت دیگر یکی از عوامل پیدایش فتنه آن است که فرد به جای اینکه هدف خود را کسب خوشنودی خداوند و خدمت به مردم قرار دهد، به مسائل بی‌ارزش دنیوی اهتمام ورزد و آنها را بر هر چیزی مقدم دارد و نیز به جای آنکه نیروهای جسمی، فکری و عاطفی خود را در راه اسلام و مصالح عمومی مسلمانان به‌کار گیرد، از آنها در جهت کسب منافع شخصی و مصالح خصوصی استفاده کند (اویس الشهابی، ۱۳۶۹).

بررسی‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از فتنه‌های بعد از پیامبر (ص) ثروت‌گرایی، تجمل‌خواهی و مال‌پرستی بوده است. جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص) از نظر اقتصادی و سطح رفاه مردم رشد چشمگیری داشت و اموال و ثروت‌های زیادی در اثر فتوحات اسلامی و فعالیت‌های اقتصادی در اختیار مسلمانان قرار گرفته بود. این امر فی‌الذات اشکالی ندارد و حتی ایجاد رفاه و تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی مردم یکی از مهمترین وظایف حکومت اسلامی است؛ اما اگر ثروت‌ها و امکانات اقتصادی عادلانه توزیع نشود و در توزیع آنها عدالت برقرار نگردد - که متأسفانه بعد از پیامبر

(ص) تا زمان حکومت امام علی (ع) این گونه بود- موجب ایجاد شکاف طبقاتی می‌شود و بستر مناسبی برای ایجاد فتنه در جامعه خواهد بود (شریفی، ۱۳۹۰: ۶۳ و ۶۴)..

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که نگرانی ایشان درباره امت اسلامی از «فتنه خوشی» بیشتر از نگرانی آن حضرت (ص) از «فتنه سختی» است. تجربه هم نشان داده که امت اسلامی در مقابل فتنه سختی‌ها سربلند بیرون آمده است؛ لذا نگرانی حضرت (ص) مربوط به فتنه در روزگار خوشی و نعمت است: «نگرانی من از فتنه خوشی برای شما بیشتر از نگرانی‌ام از فتنه سختی است؛ چرا که شما از قبل به فتنه سختی مبتلا شدید و صبر کردید، اما دنیا شیرین و فریباست (محمدی ری شهری، همان، ۱۳۷۵: حدیث ۱۵۶۲۱، ۳/۲۳۶۴).

اگر نیم‌نگاهی به زندگی سران فتنه در دوران خلافت امام علی (ع) بیندازیم این حقیقت را خواهیم دید که انگیزه بسیاری از آنان انگیزه مالی بوده است. مطالعه زندگی کسانی همچون زید بن ثابت (از قاعدین)، ابوموسی اشعری (از مقدس‌مآبان تهی مغز)، طلحه بن عبیدالله و زبید بن عوام (از سران ناکشین) و حتی برخی از سران مارقین و نهروانیان ظاهراً دین‌گرا نشان می‌دهد که انگیزه مالی یکی از مهمترین علل مخالفت آنان با حکومت علوی بود. می‌دانیم که اینان همگی از صحابه بزرگ پیامبر (ص) بودند و فتنه‌های زیاد و آزمایش‌های بزرگی را در دوران فشار و گرفتاری با موفقیت گذرانده بودند. حتی برخی از ایشان فداکاری‌های کم‌نظیری برای پیشبرد اسلام و اهداف والای حکومت اسلامی از خود نشان داده بودند و بعضی از آنان دوران

سخت شعب ابی طالب را تجربه کرده بودند. اما متأسفانه رفته رفته از آن زهد اولیه فاصله گرفتند و هدف اصلی حکومت اسلامی، یعنی برقراری قسط و عدل، را به فراموشی سپردند و غرق در دنیاپرستی و ثروت‌اندوزی شدند و کاخ‌های مجلل و شمش‌های طلا و نقره‌ای که با شتر جا بجا می‌شد آنان را اقناع نمی‌کرد. آنان سبقت در اسلام‌گرایی و خدمات اولیه به اسلام را دلیلی برای بهرمندی بیشتر از اموال بیت‌المال می‌دانستند؛ هر چند که این زیاده‌خواهی‌ها به قیمت گرسنگی تعداد زیادی از مردم تمام شود! و چون می‌دیدند که امام علی (ع) به این خواسته‌های نامشروع و ناعادلانه تن نمی‌دهد، ولایت او را نپذیرفتند و به فتنه‌انگیزی علیه حکومت آن حضرت (ع) پرداختند (شریفی، ۱۳۹۰: ۶۵ و ۶۶).

#### ب) بخش روانی

##### – شبهه‌افکنی بی‌مبنا

یکی از عواملی که می‌تواند جامعه اسلامی را به سوی فتنه سوق دهد و زمینه‌های فرهنگی و روانی وقوع فتنه را فراهم سازد، شبهه‌افکنی‌های بی‌مبنا و دروغین در مسائل دینی است. نتیجه شیوع شبهه در جامعه، بی‌توجهی به ارزش‌ها و احکام دینی خواهد بود و به تعبیر پیامبر اکرم (ص) شبهه‌های بی‌مبنا و خواسته‌های غفلت‌آفرین موجب می‌شود که حرام خدا، حلال و حلال خدا، حرام دانسته شود (همان، ۶۸). امام علی (ع) نیز همواره این مسئله را تذکر داده است که هدف شبهه‌افکنان، ایجاد فتنه است و رابطه وثیقی میان شبهه و فتنه وجود دارد: «احذروا الشبهه، فانها وضعت للفتنه؛ از

شبهه دوری کنید، زیرا شبهه به قصد فتنه ساخته شده است» (همان، ۹۴، به نقل از میزان الحکمه، حدیث ۹۱۰۲).

همچنین آن حضرت (ع) در نامه‌ای که بعد از جنگ نهروان خطاب به معاویه نوشت، ضمن بیان برخی نصایح فرمود: «فَاخْذِرِ الشُّبُهَةَ وَ اشْتِمَالَهَا عَلٰی لُبْسَتِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أَغْدَقَتْ جَلَابِيْبَهَا وَ أَغْشَتِ الْأَبْصَارَ ظُلْمَتُهَا؛ پس از شبهه و آمیختن آن حق و باطل را با هم دوری کن، زیرا تباهاکاری (که شبهات پیش آورده) چندی است پرده‌های خود را آویخته (آماده گشته) و تاریکیش دیده‌ها را تار و نابینا نموده است» (نهج البلاغه، نامه ۶۵).

#### – بدعت‌گذاری و نوآوری‌های مذموم

«بدعت» در لغت، به معنای هرگونه نوآورده است. در آموزه‌های دینی، بدعت همواره مردود و مذموم شمرده شده است و آورنده آن مستحق عذاب الهی است؛ زیرا نوآوری در دین، به معنای چیزی است که ریشه در کتاب و سنت ندارد و قائلش، آن را از پیش خود وضع نموده است (طریحی، ۱۴۲۵ ق: ۱/۱۲۲). بدعت تا آنجا مذموم است که آورنده آن در لسان اهل بیت (ع) کافر شمرده شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ۲/۱۲۳). این گونه نوآمده‌ها چون بر پایه و اساس دین نیست، راهزن و گمراه‌کننده است. امام علی (ع) یکی از ریشه‌های فتنه را احکام نویی می‌داند که در دین آسمانی پدید می‌آیند: «و أَحْكَامٌ تُبَدَعُ». این بدعت‌ها که عموماً رنگ شرع و دین دارند، باعث اختلاط حق و باطل و در نتیجه پراکندن فتنه شده و درنهایت، امور را بر مردم مشتبه ساخته و آنان را به ضلالت می‌افکند. امیرمؤمنان (ع) مبعوض‌ترین اشخاص را

نزد خدا کسی می‌داند که خدا وی را به خود وانهاد و لذا از مسیر حق فاصله گرفته و به بدعت روی آورده و با آیین‌های نوساخته، مسلمانان را به فتنه می‌افکند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷). ایشان ویژگی بدعت را مخالفت با کتاب الهی و سردمدارانی بر غیر دین الهی برمی‌شمرد (همان، خطبه ۵۰). بنابراین، متولی بدعت‌ها رجالی هستند که به دین خدا اهمیتی نمی‌دهند و هدف ایشان از ایجاد احکام جدید، قابل تأمل است. آنها از آن جهت که تحت سلطه امیال نفسانی خویشند و به تزکیه و اخلاص نرسیده‌اند، به سبب حس برتری جویی و خودبزرگ‌بینی لازم است مردم را در اطراف خویش جمع کنند، تا ارضاء خواهش نفس نموده و به قدرت برسند. امیرالمؤمنین (ع) این بدعت‌گذاران را چنین معرفی می‌فرماید: کتاب خدا را به رأی خویش تفسیر می‌کند و حق را چنانکه دلخواه اوست تعبیر می‌کند، مردم را از بلاهای سخت ایمن می‌دارد و گناهان بزرگ را آسان می‌شمارد. در کارهای شبهه‌ناک افتاده است ولی می‌گوید: من چون شبهه‌ای باشد باز ایستم. در حالی که در بدعت‌ها آرمیده است و می‌گوید: اهل بدعت نیستم ... (همان، خطبه ۸۷). مصداق امر روزی کلام امام (ع) را می‌توان تحت عنوان «قرائت‌های جدید از دین» که با قرآن و گفتار معصومان (ع) مخالف است یافت. درست است که آیات قرآن و احادیث، در هر زمانی مصادیق جدید دارند، ولی این بدان معنا نیست که اندیشه‌ها و آراء بشری بر آن دو حاکم شوند و اصل و مبنا قرار گرفته و قرآن و گفتار معصومان (ع) فرع قرار گیرند. چنین رویکردی، غیر از بدعت چیزی نیست.

### ج) بخش سیاسی

#### - روابط ناسالم اداری و حکومتی

یکی دیگر از مسائلی که در گفتار پیامبر (ص) به عنوان زمینه‌ساز فتنه در حکومت اسلامی معرفی شده است، روابط ناسالم میان مدیران و مردم است. وظیفه مدیران جامعه اسلامی، خدمت به مردم است و در قبال این خدمت می‌توانند حقوق خود را نیز از بیت‌المال دریافت کنند. اما همواره در هر جامعه‌ای عده‌ای هستند که می‌خواهند از راههای غیرقانونی و با تمسک به شیوه‌های شیطانی و با سوءاستفاده از ضعف عقیدتی و اخلاقی برخی از مدیران اهداف خود را پیش ببرند. اینان برای حل مشکلات خود ممکن است با ترفندهای مختلف، اموالی را در اختیار مدیران قرار دهند و بدین وسیله زمینه انحراف در افکار و رفتار مدیران جامعه اسلامی را فراهم آورند و حتی ممکن است مبالغه‌های هنگفتی را به‌عنوان رشوه به حاکمان تقدیم کنند اما نه به اسم رشوه بلکه به اسم هدیه‌ای برای صرف در امور خیر. پس اگر چنین مسئله‌ای در میان حاکمان اسلامی شیوع پیدا کند، باید منتظر وقوع فتنه در جامعه بود.

پیامبر اکرم (ص) در روزگار خویش به شدت از گرفتار آمدن عوامل حکومت در دامن آلوده رشوه‌دهندگان جلوگیری می‌کرد. روزی ایشان یکی از مسلمانان قبیله بنی‌اسد را به‌عنوان عامل جمع‌آوری زکات به جایی فرستاد و بعد از بازگشت مشاهده کرد که مأمور زکات پس از تحویل زکات جمع‌آوری شده، مقداری از اموال را با خود به خانه برده و وقتی از او پرسید که چرا آنها را به بیت‌المال تحویل نداده است؟ گفت: اینها هدایایی بود که مردم به خود او

داده‌اند. پیامبر (ص) به محض مشاهده این امر به شدت برآشفت و در یک سخنرانی عمومی خشم و نفرت خود را از این رفتار چنین بیان کرد: «چه شده است عاملی را که به کاری می‌گمارمش می‌گوید این مال شماس است و این را به من هدیه داده‌اند؟ آیا در خانه پدر و مادرش نشسته است تا ببیند (در صورت نداشتن این منصب) باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟ سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست اگر کسی از شما چیزی را از این‌گونه اموال بردارد، روز قیامت آن را بر گردنش حمل خواهد کرد».

برخورد عبرت‌آموز امام علی (ع) نیز با کسی که شبانه به در خانه حضرت (ع) آمده بود و برای ایشان هدیه‌ای آورده بود همواره باید آویزه گوش و جان حاکمان و کارگزاران اسلامی باشد. آن حضرت (ع) هیچ بهانه‌ای را برای قبول هدیه نپذیرفت، در حالی که می‌توانست بگوید من ولی خدا و خلیفه مسلمانان هستم و اجازه الهی تصرف در همه اموال مردم را نیز دارم، در نتیجه گرفتن این هدیه و مصرف آن در مواردی که خدا اجازه داده است اشکالی ندارد (شریفی، ۱۳۹۰: ۶۸-۷۰)؛ آن حضرت (ع) در توصیف این جریان می‌فرماید: «و شگفت‌تر از آن اینکه شب هنگام کسی ما را دیدار کرد و ظرفی سرپوشیده آورد - درونش حلوایی سرشته با روغن و قند آغشته - چنانش ناخوش داشتم که گویی آب دهان مار بدان آمیخته با زهر مار بر آن ریخته. گفتم: صله است یا زکات یا برای رضای خداست که گرفتن صدقه بر ما نارواست. گفت: نه این است و نه آن بلکه ارمغان است. گفتم: مادر بر تو بگرید آمده‌ای مرا از راه دین خدا بگردانی یا خرد آشفته‌ای یا دیو گرفته یا به بیهوده سخن میرانی به خدا، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی

نمایم و پوست جویی را از مورچه‌ای به ناروا برابیم، چنین نخواهم کرد (تهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، شهیدی، ۲۵۹ و ۲۶۰).

امام علی (ع) در سخنی دیگر، به قاعده‌ای کلی در نابودی و اضمحلال جوامع پیشین اشاره کرده و می‌فرماید: «انما هلك من كان قبلکم انهم منع الناس الحق فاشتروه و اخذوهم بالباطل فاقتدوه؛ پیشینیان شما از اینرو به هلاکت و تباهی درافتادند که مردم را از حقشان بازداشتند و آنان (ناچار با رشوه) آن را خریدند و به شیوه‌ای نادرست و باطل با مردم برخورد کردند و مردم هم به آنان اقتدا کردند» (شریفی، ۱۳۹۰: ۷۱، به نقل از میزان الحکمه، حدیث ۲۵۵).

همان‌طور که مشاهده می‌شود پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) مسلمانان و به خصوص کارگزاران حکومت اسلامی را به شدت از رشوه‌گیری به هر نام و عنوانی برحذر می‌دارند. صرف‌نظر از حرمت رشوه، یکی از پیامدهای رواج این بلیه در حکومت اسلامی آن است که بسترهای لازم را برای ایجاد فتنه در جامعه فراهم می‌کند. وقتی حاکمان اسلامی در سطوح مختلف به این رذیله مبتلا شوند، تاب و تحمل قوانین عادلانه و حاکم عادل را نخواهند داشت و در مقابل هر قانون یا قانون‌گذاری که بخواهد با این پدیده مبارزه کند، ایستادگی می‌کنند و به دلیل شبکه ارتباطی ناسالمی که برقرار کرده‌اند می‌توانند بر سر راه تحقق عدالت مانع‌تراشی کنند و به بهانه‌های مختلف از تصویب قوانین و فعالیت‌های عادلانه جلوگیری نمایند. افزون بر این، چنین افرادی مورد توجه و حمایت ویژه دشمنان داخلی و خارجی حکومت اسلامی نیز قرار می‌گیرند و عاملان آنها خواهند شد نه خدمتگزار حکومت اسلامی و دلسوز مردم.

### - ریاست طلبی

نمونه‌های تاریخی این عامل را می‌توان در تأسیس حزب پیمان‌شکنان توسط طلحه و زبیر و عایشه و همچنین دشمنی‌ها و کارشکنی‌های معاویه علیه حکومت علوی مورد مطالعه قرار داد. طلحه و زبیر نخستین کسانی بودند که با امام علی (ع) بیعت کردند، اما بلافاصله پس از پایان مراسم بیعت، خصوصی به نزد آن حضرت (ع) رفتند و خواستار مشارکت در امر حکومت شدند و به ایشان تأکید کردند که در امور حکومتی و تصمیم‌های کلان جامعه اسلامی با آنان رایزنی شود و به اصطلاح به بازی گرفته شوند. در مقابل وقتی دیدند که حضرت (ع) در تصمیمات خود و تقسیم قدرت و توزیع ثروت با آنان مشورت نمی‌کند سخت برآشفتمند و معترضانه از ایشان توضیح خواستند و با پاسخ قاطع و محکم امام (ع) مواجه شدند. آنان وقتی دیدند که نمی‌توانند در تصمیم‌های حکومتی به سود خود نقش‌آفرینی کنند، از امام (ع) خواستند دست کم مسئولیت برخی مناطق جهان اسلام از قبیل بصره و کوفه را به آنان واگذار کند و مدعی بودند با این کار شاید اندکی از حق از دست رفته آنان در دوران خلفای گذشته جبران شود. وقتی که از این راه هم نتوانستند به مقصود خود برسند، فتنه جمل را به راه انداختند.

عامل اصلی ایجاد فتنه صفین نیز همین ریاست‌طلبی و هواپرستی حاکمان شام بود. معاویه سال‌ها بعد از شهادت امام علی (ع) به صراحت بیان کرد که جنگ او با حضرت (ع) و یارانش برای دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی و احیای روزه و نماز و حج و زکات نبوده و به دنبال حکومت و ریاست و خلافت بوده است (همان، ۱۱۵-۱۱۷).

## - عدم بصیرت

یکی دیگر از بسترهای ایجاد فتنه، عدم بصیرت و ژرف‌نگری است. «بصیرت» به معنای آگاهی همه‌جانبه و عمیق به امور، بینایی دل و روشن‌بینی در آیات و روایات و به‌ویژه نهج‌البلاغه بسیار مورد تأکید می‌باشد. امام علی (ع) کسی را شخص بصیر می‌داند که فریب ظواهر امور را نمی‌خورد و سرانجام هر کاری را پیش از اقدام به آن می‌کاود. بر همین اساس است که در خطبه‌ای پس از معرفی شروط لازم برای خلیفه و لزوم مجازات مخالفان می‌فرماید: باب جنگ بین شما و کسانی که رو به قبله نماز می‌خوانند (یعنی مسلمانان) باز شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳). این عبارت کنایه از این است که اگر کسی به ظاهر مسلمان بود و نماز خواند و قرآن تلاوت کرد، حرمت جنگ با وی را موجب نمی‌شود؛ زیرا معیار مسلمانی، حق و حقیقت است و اگر با ناکثان و قاسطان و مارقان می‌جنگیم به سبب بصیرتی است که نسبت به نیت و اعمال ایشان داریم. مسلماً چنین جنگی نیاز به سه ویژگی پیش گفته دارد. بی‌بصیرتی و عدم‌آگاهی و بصیرت به جایگاه حق موجب می‌شود که شخص فریب ظواهر را خورده و به عواقب نیاندیشد و به ورطه اختلاط حق و باطل و شبهه‌ها بیافتد.

همچنین حضرت (ع) همواره در هنگام وقوع فتنه‌ها تأکید داشت که هوشیار باشید فتنه‌گران از شما به هیچ وجه سوءاستفاده نکنند. در هنگام بروز فتنه، مسلمانان ضمن اینکه نباید بی‌تفاوت باشند، بلکه باید به‌گونه‌ای موضع گیرند که فتنه‌گران عملکرد و سخنانشان را دستاویز مقاصد خود قرار ندهند،

نه آنکه به خاطر عدم بصیرت، فتنه‌گران بتوانند به راحتی آنان را هدایت و مدیریت کنند.

بنابراین، از عوامل مهمی که نقش بسزایی در برون رفتن از فتنه و در امان ماندن از تلاطم آن دارد، بصیرت و هوشیاری است. آدمی در پرتو تقوا و تعقل و پندگیری از مسائل پیرامون به قوه‌ای دست می‌یابد که او را از درافتادن در فتنه‌ها مصون می‌دارد و در پرتو آن می‌تواند افراد کم‌بصیرت را نیز هدایت کند و آنها را نیز نسبت به عملکرد فتنه‌گران و شناخت حق و باطل آگاه سازد و بدین ترتیب، این شناخت به تمام جامعه سرایت خواهد کرد و کل اجتماع از آسیب‌های فتنه در امان خواهند ماند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که بیان شد با محوریت کلام و سیره علوی می‌توان گفت در ایجاد فتنه، بسترهایی لازم است که برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی است. در بسترهای فردی با مسائلی چون مستی حاصل از نعمت، پیروی از هوا و هوس، شخصیت‌محوری به جای حقیقت‌محوری، جهل، دینداری غیرعالمانه مواجه هستیم و در بسترهای اجتماعی در سه بخش اقتصادی (شامل: روابط ناسالم اقتصادی، ثروت‌گرایی و مال‌پرستی)، بخش روانی (شامل: شبهه‌افکنی بی‌مبنا، بدعت‌گذاری و نوآوری‌های مذموم) و بخش سیاسی (شامل: روابط ناسالم اداری و حکومتی، ریاست‌طلبی، عدم بصیرت) مواجه هستیم که هر یک از آنها می‌تواند با توجه به شرایط جامعه فتنه‌برانگیز باشد.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. بنیاد نهج البلاغه، کاوشی در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ج ۳، ۱۳۸۸.
۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران: نشر آرایه، ۱۳۸۵.
۵. شریفی، احمد حسین، موج فتنه از جمل تا جنگ نرم، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰.
۶. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۴۲۵ ق.
۸. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی جا، بی نا، ۱۳۲۶.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۲.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵.
۱۱. معصومه، معصومی فر، نگاهی به موضوع فتنه در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۹.
۱۲. فتنه و فتنه‌گران از دیدگاه نهج البلاغه، [www.salehat.ir](http://www.salehat.ir)
۱۳. مقدمه و معنای فتنه، [www.lailatolgadr.ir](http://www.lailatolgadr.ir)
۱۴. اویس، الشهابی، «موضع حضرت علی در برابر فتنه‌ها»، مجله مشکوه، ش ۲۷، ۱۳۶۹.